

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری

طیبه شاهرخی* / فرهاد میرزایی**

چکیده

یکی از مهم‌ترین اقسام جرایم از جهت آسیب‌های وارده به بزه‌دیدگان، جرایم علیه کرامت انسانی است که در آن، جایگاه انسانی شخص بزه‌دیده مورد تعرض قرار گرفته و در حدّ یک کالا تنزل می‌یابد. از سؤالات بسیار مهمی که ذیل مبحث حمایت از بزه‌دیدگان این قسم از جرایم مطرح شده و همواره مورد توجه قرار می‌گیرد، آن است که با توجه به نقش کلیدی زنان در نظام خانواده و اجتماع و همچنین وضعیت جسمی و روحی ایشان از جهت نوع آسیب‌پذیری، در فرآیند رسیدگی به جرایم علیه کرامت انسانی چه ساز و کار ویژه‌ای در جهت حمایت از زنان بزه‌دیده در نظر گرفته شده است؟ در پژوهش حاضر برآنیم تا با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی علاوه بر تبیین ساز و کار حمایت از زنان بزه‌دیده این قبیل جرایم، خلأهای قانونی موجود در این زمینه را نیز مورد شناسایی قرار داده و به ارائه پیشنهادهایی مناسب و عملی در خصوص بهبود راهکارهای موجود بپردازیم.

کلیدواژه: حمایت از زنان بزه‌دیده، جرایم علیه کرامت انسانی، کار اجباری، ازدواج اجباری، بکارگیری زنان در مراکز فحشاء، قاچاق زنان، خرید و فروش اعضای بدن

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد امارات دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی (نویسنده مسؤل)
tayebeshahrokhi@gmail.com

**حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوئین زهرا

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۱/۲۱ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۲/۰۴

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر نظام‌های حقوقی مختلف دنیا، اصل کرامت انسانی است که مبنای به رسمیت شناخته شدن بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف غیر قابل سلب و انتقال انسانی محسوب شده و دستیابی به ارزش‌هایی چون عدالت، برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی در گرو عمل به آن است. بر اساس این اصل تمامی انسان‌ها به صرف انسان بودن و صرف نظر از دین، مذهب، رنگ، نژاد، ملیت، در معرض اتهام بودن و ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم، انسان بوده و باید از حقوق انسانی‌ای بهره‌مند شوند که به دلیل انسانیت به اشخاص اعطاء شده است. با توجه به این توضیحات هر جرمی که به نوعی بزه‌دیده را از جایگاه انسانی خود تنزل داده و ارزش آن را به اندازه یک کالا پائین آورد، از مصادیق جرایم علیه کرامت انسانی محسوب می‌شود. بر این اساس، در یک دسته‌بندی کلی عناوین «بردگی اشخاص» و «قاچاق انسان» را می‌توان جزو مهم‌ترین مصادیق جرایم علیه کرامت انسانی بزه‌دیدگان معرفی نمود که علیرغم پیشرفت‌های روز افزون علمی و اجتماعی، همچنان در کشورهای مختلف دنیا (به خصوص کشورهای اروپای غربی و کشورهای در حال توسعه) رواج دارد.

موضوع مذکور زمانی که جرم بر روی بانوان واقع شده و به بیان ساده‌تر، زنان بزه‌دیده این قبیل جرایم باشند، اهمیت بیشتری خواهد یافت؛ چراکه حمایت از بانوان، از مسائل بسیار مهم و بحث‌برانگیزی است که در تمامی رشته‌های مختلف علوم انسانی از آن سخن به میان آمده و در دهه‌های اخیر مورد توجه ویژه قرار گرفته است. دلیل این قبیل توجهات ویژه به زنان، علاوه بر ایفای نقش کلیدی همسر بودن و مادر بودن از سوی ایشان، وضعیت جسمی و روحی زنان یا به عبارت بهتر آسیب‌پذیری قابل توجه آنان است که در تمامی ابعاد زندگی ایشان وجود داشته و به تبع آن، بر نظام خانواده (و به خصوص فرزندان) تأثیر می‌گذارد.

با توجه به این توضیحات، یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که ذیل مبحث حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی مطرح شده و همواره مورد توجه قرار می‌گیرد، آن است که با توجه به نقش کلیدی زنان در خانواده و اجتماع و همچنین وضعیت جسمی و روحی ایشان و با عنایت به آثار و نتایج زیانباری که این قبیل جرایم بر روی بزه‌دیدگان و به خصوص زنان ایجاد می‌کند، آیا در فرآیند رسیدگی به این جرایم، ساز و کار ویژه‌ای در جهت حمایت از زنان بزه‌دیده در نظر گرفته شده است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ این سؤال، وضعیت ساز و کار مذکور از جهت شرایط، ویژگی‌ها و میزان کارایی به چه صورت بوده و خلأهای قانونی موجود در این زمینه کدامند؟

با توجه به اهمیت مسأله مذکور و رشد روزافزون بردگی و قاچاق زنان که به واسطه پیدایش فرقه‌های به ظاهر مذهبی (همچون طالبان، داعش، بوکوحرام و ...) و وضعیت نابسامان اقتصادی کشورهای در حال توسعه به وجود آمده است، در پژوهش حاضر به تلاش در جهت ارائه پاسخی مناسب به سؤالات فوق پرداخته شده و سعی شده است تا از طریق بررسی ساز و کارهای داخلی و بین‌المللی موجود و تطبیق آنها با مسائل اسلامی، وضعیت حاضر ارزیابی و کاستی‌های احتمالی شناسایی گردد.

پیش از ورود به مسائل اصلی موضوع فوق، ضروری به نظر می‌رسد توضیحاتی پیرامون عواملی که موجب آسیب‌پذیری زنان می‌گردد، ارائه شود تا با شناخت این عوامل که به حق، یکی از علل بزه‌دیدگی زنان و وقوع رفتار مجرمانه بر روی ایشان محسوب می‌شود، بتوان علاوه بر آگاهی دقیق نسبت به موضوع، راهکاری مناسب و عملی را در جهت کاهش این قبیل جرایم ارائه نمود.

۲- عوامل وقوع جرایم علیه کرامت انسانی زنان

انحرافات، تخلفات و جرایمی که مجرمان مرتکب می‌شوند، همواره یک گروه یا تمامی اعضای یک جامعه را تهدید نموده و در معرض خطراتی قرار می‌دهند. این

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۳۴

قبیل اقدامات با واکنش سایر اعضاء و شهروندان جامعه روبرو شده و قوای مختلف یک دولت تلاش می‌کنند تا علاوه بر برخورد با مجرمان و التیام بخشیدن آسیب‌های وارده به بزه‌دیدگان، علل و عوامل وقوع این جرایم را نیز مورد شناسایی قرار دهند و از بروز مجدد آنها پیشگیری و جلوگیری به عمل آورند. از منظر بزه‌دیده‌شناسی بدون در نظر گرفتن عوامل جرم‌زا و بررسی علل بزه‌دیدگی و عوامل آسیب‌پذیری، نمی‌توان به نتایج قابل قبول و عملی در زمینه پیشگیری از وقوع جرایم و جلوگیری از وارد آمدن آسیب به بزه‌دیدگان دست پیدا کرد (توجهی، ۱۳۷۷: ۱۵).

بر همین اساس، تا زمانی که درک درستی نسبت به «جذاییت‌های گرایش مجرمان به وقوع جرایم علیه کرامت انسانی زنان» و «علل آسیب‌پذیری و بزه‌دیدگی زنان در این قبیل جرایم» وجود نداشته باشد، نمی‌توان راهکاری مناسب در جهت مقابله با وقوع این جرایم ارائه نمود. از همین رو، در ادامه به تبیین مهم‌ترین عوامل وقوع جرایم علیه کرامت انسانی زنان پرداخته شده است.

۱-۲- سود سرشار ناشی از جرایم علیه کرامت انسانی بانوان

بردگی و قاچاق انسان یکی از بزرگ‌ترین و پردرآمدترین جرایم دنیای معاصر است که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رونق گسترده‌ای یافت؛ به گونه‌ای که در حال حاضر پس از قاچاق مواد مخدر جزو پردرآمدترین جرایم بین‌المللی محسوب می‌گردد (ر.ک: رمضان نرگسی، ۱۳۸۲: ۱۲). بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت، در اوایل قرن بیست و یکم میلادی خرید و فروش زنان و دختران سالانه ۸ میلیارد دلار درآمد را برای کارتل‌های قاچاق زنان به همراه داشته است (شمس‌ناتری، ۱۳۸۰: ۹۵). وجود همین سود سرشار به همراه بالا بودن تقاضای برخی کشورها (به خصوص کشورهای اروپای غربی و حاشیه جنوبی خلیج فارس) در خرید بانوان و سهولت در یافتن یا اغفال زنان موجب

گردیده بسیاری از مجرمان به ارتکاب این جرایم گرایش پیدا کرده و به صورت سازمان یافته مرتکب این جرایم شوند.

گرایش مجرمان به جرایم علیه کرامت انسانی زنان و رشد روزافزون این جرایم به اندازه ای است که برخی از شخصیت های سیاسی شناخته شده در حقوق بین الملل از آن با عنوان «طاعون جهانی» یاد کرده اند (ر.ک: اشتری، ۱۳۸۰: ۱۳۹).

با توجه به این توضیحات و با در نظر گرفتن اصل عدالت کیفری تا زمانی که وضعیت و کیفیت عمل مجرمانه به صورت دقیق بررسی نشده و به منظور ایجاد تعادل و توازن بین حقوق مرتکب جرم و اجتماع مجازات عادلانه و بازدارنده در نظر گرفته نشود، نمی توان مانع بروز جرایم علیه کرامت انسانی زنان گردید (گرجی، ۱۳۷۰: ۵۱۸-۵۲۰؛ ولیدی، ۱۳۸۶: ۲۷۲-۲۷۳؛ امیدی، ۱۳۸۲: ۴۳). به بیان ساده تر، تا زمانی که مجازاتی بازدارنده، مناسب و متناسب با سود حاصله از جرایم علیه کرامت انسانی زنان برای این قبیل جرایم تعیین نشود، نمی توان از وقوع این جرم جلوگیری نمود و از رغبت مجرمان مرتکب به این جرم کاست.

۲-۲- تفاوت های تکوینی موجود میان زن و مرد

یکی از مسائل بسیار مهمی که موجب گردیده در نظام های حقوقی حاکم بر کشورهای مختلف با زنان بزه دیده برخوردی متفاوت از مردان صورت گرفته و به نوعی تلاش گردد تا امتیازات ویژه ای برای ایشان در نظر گرفته شود، وضعیت جسمی و روحی متفاوت بانوان نسبت به مردان است. در توضیح پیرامون این مسأله باید گفت اگرچه زن و مرد از لحاظ ماهیت انسانی و ارزش های ناشی از آن با هم برابر هستند، لکن باید دانست که برابری در حیثیت انسانی زن و مرد به معنای نبود تفاوت میان این دو نیست؛ بلکه وجود پاره ای از تفاوت ها موجب گردیده که یکی زن و دیگری مرد باشد (حقیقت، میرموسوی، ۱۳۸۱: ۲۹۷). از جمله این تفاوت ها می توان به تفاوت های جسمی، روحی- روانی، ذهنی، اخلاقی و رفتاری اشاره نمود (باقرزاده، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۳؛ کارل، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۳) که موجب شده بانوان از لحاظ جسمی و روحی

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۳۶

شکننده تر از مردان بوده و در جرایم مختلف، به خصوص جرایم علیه کرامت انسانی، بیش از مردان در معرض آسیب و خطر باشند (ر.ک: داودی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۳).

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که این قبیل تفاوت‌ها، تکوینی و ناشی از نوع آفرینش بشر بوده و به منظور تأمین بخشی از هدف حیات به وسیله خداوند متعال در نهاد زنان قرار داده شده و از همین رو، نه موجب برتری یا نقصان و نه شایسته ستایش یا نکوهش هستند (حکیم پور، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

با توجه به توضیحات فوق، تا زمانی که فرهنگ‌سازی مناسب در خصوص «عدم برتری اشخاص به واسطه تفاوت‌های تکوینی ایشان» صورت نگرفته و این قبیل تفاوت‌ها از معیارهای ارزش‌گذاری اجتماعی برای افراد حذف نمود، نمی‌توان به صورت کامل از وقوع جرایم علیه کرامت انسانی زنان پیشگیری کرد.

۲-۳- وضعیت اجتماعی حاکم بر کشورهای در حال توسعه

یکی از موضوعاتی که به حق می‌توان آن را جزو عوامل وقوع جرایم علیه کرامت انسانی زنان محسوب نمود، وضعیت اجتماعی حاکم بر کشورهای در حال توسعه است. در یک نگرش کلی، مسائلی از قبیل «تبعیض جنسیتی منفی ناشی از فرهنگ و تصور اشتباه جامعه نسبت به شخصیت زنان»، «سلطه مردان در نظام‌های خانوادگی که منجر به بروز نابرابری‌ها و خشونت‌هایی نسبت به زنان می‌گردد»، «دیدگاه‌ها، برخورد‌ها و نامالیماتی که نسبت به زنان مطلقه یا بانوان میان‌سال مجرد وجود دارد» و همچنین «وابستگی اقتصادی زنان به مردان» را می‌توان به عنوان مهم‌ترین مسائلی معرفی نمود که نمایش‌دهنده وضعیت اجتماعی حاکم بر کشورهای در حال توسعه در خصوص زنان است (داودی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۴؛ هریسون، ۱۳۶۴: ۳۸۸-۳۸۹).

وجود همین موارد موجب گردیده که زنان قدرت‌چندانی در تعیین همسر نداشته و در برخی از موارد، مجبور به ازدواج اجباری شوند. همچنین خشونت‌هایی که مردان نسبت به همسران یا دختران خود اعمال می‌کنند، منجر به وقوع اقداماتی از قبیل طلاق

یا فرار از سوی زنان شده و در نهایت، بانوان به واسطه بهره مند نبودن از پشتوانه های مالی و حمایت های غیر مالی (به خصوص حمایت های عاطفی و روانی) طعمه برده داران نوین و گروه های قاچاق بانوان شده و کرامت انسانی ایشان در سطح کالایی که نیاز های مادی و یا جنسی اشخاص را برطرف می کند، تنزل یابد.

بنابراین بدیهی است که به منظور از بین بردن این عامل باید اصلاحات اساسی در خصوص قوانین موجود و تصویب قوانین مورد نیاز جهت کاهش خشونت ها نسبت به زنان، جلوگیری از ازدواج اجباری ایشان و حمایت از بانوان سرپرست خانوار (به خصوص زنان مطلقه) صورت پذیرفته و اقدامات لازم در جهت ارتقاء سطح فرهنگ عمومی در این زمینه انجام شود.

۳- ارزیابی وضعیت حمایت از زنان در جرم «بردگی بانوان»

همان طور که در گذشته بیان شد، یکی از مهم ترین عناوین جرایم علیه کرامت انسانی زنان، «بردگی بانوان» است که در آن، کرامت و ارزش انسانی شخص بزه دیده مورد تعرض قرار گرفته و به اندازه یک کالا تنزل می یابد. بردگی بانوان را می توان در دو مصداق کلی: «بردگی جسمی» یا سوء استفاده از کار و خدمات بانوان و «بردگی جنسی» یا سوء استفاده از بانوان در زمینه روابط جنسی مورد بررسی قرار داد که در ادامه به توضیح پیرامون هر یک از این موارد پرداخته شده است.

۳-۱- بردگی جسمی یا کار اجباری

یکی از اقسام بردگی زنان که به واسطه اهمیت دیگر جرایم علیه کرامت انسانی بانوان کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته، بردگی جسمی زنان یا به بیان ساده تر، به بیگاری گماردن بانوان و قرار دادن ایشان در شرایط کار اجباری است. اصطلاح کار اجباری یا کار قهری به عملی اطلاق می شود که بزه دیده با تهدید به مجازات یا توسل به دیگر شیوه های مجبورکننده و بی آن که رضایتی نسبت به انجام آن داشته باشد، مرتکب به انجام آن گردد. از منظر برخی از پژوهشگران زنان که بخشی از نیروی کار

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۳۸

را تشکیل می‌دهند، تحت اجبار و اضطراب ضرورت اقتصادی کار می‌کنند؛ به آنها کارهای سخت و طاقت فرسا و مشاغل پست، ملال آور و تکراری داده می‌شود و همیشه دستمزد کمی دریافت کرده و در برخی موارد که فرد به صورت غیر قانونی وارد کشوری می‌شود، بدون دریافت هیچ‌مزدی و تنها در قبال غذا و محل خواب به چنین مشاغلی تن می‌دهد (دیوب، ۱۳۷۷: ۱۴۶).

در دین مبین اسلام که دقیقاً در دورانی ظهور کرد که برده‌داری یکی از ارکان اصلی اموال و سرمایه‌های اعراب محسوب می‌شد، تلاش شده تا ضمن جلوگیری از وارد شدن آسیب جدی به نظام اجتماعی اعراب، از برده‌داری که به نوعی مجبور کردن افراد به کار اجباری محسوب می‌گردید، جلوگیری به عمل آید. در منابع اسلامی ساز و کارهای مختلفی در جهت دستیابی به این هدف تنظیم شده که از میان آنها می‌توان به «آزاد کردن اجباری برده در قبال کفاره گناه (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۹/۳-۳۳)»، «تقیح خرید و فروش انسان (حلوانی، ۱۴۰۸: ۳۹)» و «قرار دادن ساز و کارهایی در جهت آزاد کردن اختیاری بندگان (از قبیل مکاتبه، تدبیر و استیلا)» (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳۰۹/۶-۳۷۵) اشاره نمود.

قانونگذار ایران نیز به تبعیت از نظام حقوقی اسلام به صراحت، بردگی جسمی و کار اجباری را مورد جرم‌انگاری قرار داده و علاوه بر احقاق حقوق بزه‌دیده (از طریق الزام مجرم به پرداخت اجرت‌المثل و خسارات وارده به بزه‌دیده) برای مرتکبان این جرم مجازات‌های بازدارنده‌ای را در نظر گرفته است. رویکرد قانون در احیای حقوق بزه‌دیده همراه با مجازات مجرم، خود جزو یکی از نکات قوت مقررات موجود در زمینه منع کار اجباری محسوب می‌گردد. با این حال، ضروری است با عنایت به این مسأله که ماهیت کنونی کار اجباری در این دوران، متفاوت از ماهیت آن در دوران گذشته شده و در حال حاضر با توجه به مشکلات عدیده اقتصادی کشور، طیف گسترده‌تری از کارهای بانوان را در بر می‌گیرد، ضروری است اصلاحاتی در

خصوص تعیین مصادیق کار اجباری صورت پذیرد (ر.ک: ماده ۶ و ۱۷۲ قانون کار؛ زراعت، ۱۳۹۰: ۵۰).

در اسناد بین‌المللی نیز مقررات بسیاری در خصوص ممنوعیت بردگی جسمی و کار اجباری تدوین شده است؛ چرا که کار اجباری از جمله اولین مسائلی بود که سازمان بین‌المللی کار در بدو تأسیس خود با آن مواجه شد. وجود چنین کاری مغایر با آزادی انسان و شخصیت اوست و احترام به حقوق انسان و شخصیت او ایجاب می‌کند که هیچ کس بدون رضایت خود به کار گمارده نشود (عراقی، ۱۳۷۶: ۲۴). به همین دلیل، در اسنادی که توسط سازمان بین‌المللی کار و سایر اسناد حقوق بشری که در خصوص تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی به تصویب رسید، به ممنوعیت کار اجباری تصریح شده است. به عنوان نمونه، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶م. به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد الزام آور بین‌المللی در خصوص حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی بشر در بند ۳ ماده ۸ خود به ممنوعیت کار اجباری تصریح کرده است. سازمان بین‌المللی کار نیز کنوانسیون شماره ۲۹ را به طور خاص، در خصوص ممنوعیت کار اجباری به تصویب رسانده و در سال ۱۹۵۷م. نیز کنوانسیون شماره ۱۰۵ را در خصوص الغای کار اجباری تصویب کرده است.

۲-۳- بردگی جنسی

بردگی جنسی که به حق باید آن را جزو شایع‌ترین اقسام جرایم علیه کرامت انسانی بانوان در تمامی ادوار تاریخ دانست، جرمی است که در آن به زنان به عنوان یک کالای پست در جهت تأمین نیاز جنسی نگریسته می‌شود. اگرچه در گذشته‌های نه چندان دور عموم اشخاص بر این باور بودند که تنها مصداق این قسم از بردگی بانوان، «بکارگیری زنان در مراکز فساد و فحشاء» است، لکن با پیشرفت علوم چون علوم سیاسی، علوم اجتماعی و به خصوص حقوق خانواده مشخص گردید که «ازدواج اجباری» را نیز می‌توان جزو مصادیق بردگی جنسی زنان دانست؛ چرا که در «ازدواج اجباری» نیز همچون «بکارگیری زنان در مراکز فساد و فحشاء»، بانوان وادار می‌شوند

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۴۰

که به دلایل مختلف تن به ازدواج و همبستری با شخصی دهند که هیچ‌گونه میل و رغبتی نسبت به تشکیل زندگی مشترک با او ندارند.

با توجه به این توضیحات و با عنایت به دیدگاه جدید دکتربین، صاحب‌نظران و پژوهشگران در خصوص ازدواج اجباری، در این قسمت ابتدا توضیحاتی پیرامون جرم انگاری ازدواج اجباری پرداخته شده و سپس جرم «بکارگیری زنان در مراکز فساد و فحشاء» به عنوان یکی از جرایم شایع علیه کرامت انسانی بانوان مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲-۳- ازدواج اجباری

در تعریف ازدواج اجباری به عنوان یکی از اقسام جرایم علیه کرامت انسانی بانوان باید گفت این قسم از ازدواج در واقع، پیوند زناشویی رسمی ای است که در آن، رضایت و اراده زوجه نادیده انگاشته شده و به منظور برقراری این پیوند، انواع فشار های جسمی و روحی به وی تحمیل می‌گردد. در ازدواج اجباری آزادی اراده و حق تعیین سرنوشت زنان نادیده گرفته شده و بدین ترتیب، به کرامت و حیثیت ذاتی و حریم خصوصی آنان تعرض شده و اصل ممنوعیت بردگی نیز زیر پا گذارده می‌شود (امیری، ۱۳۸۹: ۲۸۶-۲۸۷). پیامد های ناشی از این جرم تنها به بزه‌دیده محدود نمی‌شود؛ بلکه آسیب های جسی و روانی وارده به بزه‌دیده و فرزندان وی علاوه بر خانواده او، نظام پلیسی و قضایی و سلامت را نیز درگیر نموده و به صورت غیر مستقیم هزینه های مالی و غیر مالی قابل توجهی را بر تمامی اعضای اجتماع تحمیل می‌کند (مقدّسی، عامری، ۱۳۹۵: ۱۷۱).

در طول تاریخ و در مناطق مختلف جهان، به زنان همچون کالا یا وسیله ای در جهت دستیابی به مقاصد سیاسی و اقتصادی نگریسته شده و بی آن که به حقوق طبیعی ایشان کمترین توجهی شود، در یک شرایط کاملاً سخت و ناخواسته وادار به ازدواج با دیگران می‌شدند. ازدواج اجباری خود دارای انواعی است که از میان آنها می‌توان

به ازدواج ربایشی (رُبُودن پنهانی زن علیرغم مخالفت وی با ازدواج)، ازدواج یغمائی (اسیر کردن زن در جریان جنگ میان دو گروه)، ازدواج وراثی (ازدواج وارثان با زن پس از مرگ شوهر وی)، ازدواج از طریق خرید همسر (ازدواج با زن از طریق خریدن وی از پدرش)، ازدواج سیاسی (ازدواج به منظور رفع خصومت)، ازدواج نهوه (ازدواج اجباری دخترعمو با پسرعمو) و ازدواج مبادلہ ای (یا همان ازدواج زن به زن) اشاره نمود (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۷۹-۸۷؛ افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ۷۷۵/۲؛ مصلحتی، ۱۳۷۹: ۴۳-۶۳). نکته قابل تأملی که در خصوص ازدواج اجباری وجود دارد آن است که در دوران معاصر، این پدیده تنها محدود به کشورهای در حال توسعه نشده و در کشورهای توسعه یافته نیز اتفاق می افتد؛ اگرچه رسانه ها همواره تلاش می کنند این گونه لقاء کنند که در جوامع سنتی، حقوق زنان در موضوعاتی نظیر انتخاب همسر، تصمیم گیری در خانواده و آزادی طلاق نادیده انگاشته شود (شیخی، ۱۳۸۰: ۵۴).

عموم فقهای امامیه و حقوقدانان کشورمان با مبنا قرار دادن منابع اسلامی و درنظر گرفتن نتایج و آثار سوء ناشی از ازدواج اجباری، تلاش کرده اند تا با جمع میان مسأله ولایت پدر و جدّ پدری با اصل آزادی در ازدواج، در خصوص ازدواج اجباری ساز و کاری را ارائه دهند که ضمن رعایت مصالح زن، مانع از اجبار وی به امر ازدواج گردند. بر همین اساس، در صورتی که ولیّ (اعمّ از پدر یا جدّ پدری) زن بدون اذن وی اقدام به انشای صیغه ازدواج کند، ازدواج تا زمان صدور اجازه از سوی زن، غیر نافذ بوده و در صورت عدم صدور اجازه از سوی زن باطل است. همچنین پدر یا جدّ پدری نباید بر خلاف مصالح زن تصمیم گرفته و در صورت انجام چنین عملی، ولایت ایشان از درجه اعتبار ساقط است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۴۱/۵-۱۴۳؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۴/۴۴۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۶۳/۲؛ امامی، بی تا: ۳۵۷/۴؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۱۳۷/۳).

علیرغم نتایج زینباری که ازدواج اجباری زنان با خود دنبال دارد، متأسفانه در نظام حقوقی ایران، دیدگاه جامعی در خصوص این مسأله وجود ندارد؛ چراکه:

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۴۲

اولاً- قانونگذار کشورمان تنها در مواردی که ازدواج اجباری، در نتیجه قاچاق بانوان صورت پذیرد، این عمل را مورد جرم انگاری قرار داده و برای آن مجازات تعیین کرده است. به بیان ساده تر، با اندکی توجه به قانون مبارزه با قاچاق مصوب ۱۳۸۳ شمسی می توان دریافت که مجازات در نظر گرفته شده برای مورد فوق الذکر، به واسطه جرم قاچاق بوده و با توجه به فلسفه و شرایط تصویب قانون، می توان دریافت که هدف قانونگذار، مقابله با افرادی است که تلاش می کنند تا از طریق خروج زنان از کشور، آنان را به ازدواج اجباری با اتباع بیگانه وادار سازند.

ثانیاً- با نگاهی کلی به قوانین حاکم بر کشور می توان دریافت که سیاست مقنن در برخورد با ازدواج اجباری، به طور معمول، محدود به تدابیر حقوقی می گردد؛ چنان که براساس ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی، ازدواج اکراهی صحیح و غیر نافذ بوده و در صورت برطرف شدن اکراه فرد، نافذ خواهد بود، مگر در مواردی که اکراه به اندازه ای باشد که عاقد، فاقد قصد انشای عقد باشد.

بر اساس دیدگاهی که قانونگذار نسبت به ازدواج اجباری دارد، سازمان های حمایت از خانواده، مجوز های قانونی لازم در جهت مداخله در این موارد را ندارند. از منظر برخی از محققین، اگرچه ازدواج اجباری با توجه به دارا بودن ویژگی هایی همچون «کنترل رفتار زن» و «اجبار وی به انجام عمل یا پذیرفتن چیزی»، مصداق بارزی از خشونت خانگی محسوب می گردد، لکن متأسفانه در کشور ما قوانین و مقررات وضع شده در خصوص خشونت خانگی در مورد ازدواج اجباری اجرا نمی شود (ر.ک: وامقی، ۱۳۹۰: ۲۷۹-۳۱۰).

علیرغم دیدگاه ضعیف و ناقص قانونگذار کشورمان نسبت به جرم انگاری ازدواج اجباری، در نظام حقوقی بین الملل، به مسأله توجه کامل شده و بر همین اساس، «حق آزادی در ازدواج» برای بانوان به رسمیت شناخته شده است (ر.ک: ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ م؛ ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶م؛ ماده ۲۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶م). به علاوه، در اسناد خاص، همچون ماده ۱۶ «کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» مصوب ۱۹۷۹م و ماده ۱ کنوانسیون تکمیلی «الغای بردگی، تجارت برده و نهادها و اعمال مشابه برده داری» مصوب ۱۹۶۵م بر ضرورت حق زنان در انتخاب آزادانه همسر تأکید شده و ازدواج اجباری، به عنوان یکی از مهم ترین مصادیق و اشکال بردگی جنسی معرفی شده است. ناگفته نماند که بر اساس ماده ۳۲ و ۳۷ کنوانسیون اروپایی «پیشگیری و محو خشونت علیه زنان و خشونت خانگی» مصوب ۲۰۱۱م نیز ازدواج اجباری از منظر حقوق بین الملل، به مثابه یک جرم معرفی شده و تمامی کشورهای عضو، ملزم به جرم انگاری آن و تعیین مجازات و راهکارهای دیگر به منظور جلوگیری از وقوع این عمل گردیده اند.

با توجه به این توضیحات و با عنایت به ماهیت حقیقی نهاد ازدواج اجباری و آثار و نتایج بسیار زیانباری که با خود به دنبال دارد، ضروری است این عمل در نظام حقوقی ایران نیز به صراحت، مورد جرم انگاری قرار گرفته و به منظور جلوگیری از وقوع آن و وارد آمدن آسیب بر زنان، برای تمامی اقسام ازدواج اجباری مجازات های بازدارنده در نظر گرفته شود.

۲-۳- بکارگیری بانوان در مراکز فساد و فحشاء

مهم ترین و متداول ترین مصداق جرم علیه کرامت انسانی بانوان که از گذشته های دور تاکنون رُخ داده و از نظر تعداد وقوع، بیشترین میزان نقض کرامت انسانی زنان و تنزل جایگاه ایشان در سطح یک کالا را به خود اختصاص داده، «بکارگیری بانوان در مراکز فساد و فحشاء» است.

دین مبین اسلام و مذهب امامیه، قرن ها پیش از تدوین و نگارش اسناد بین المللی، این عمل را مورد جرم انگاری قرار داده و تلاش کرده تا علاوه بر حرام بودن مال حاصل از این عمل، با شخصی که از این طریق کسب درآمد کرده و میان فاعل و مفعول این عمل زشت، جمع حاصل می کند (قواد) از طریق تعیین مجازات برای وی

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۴۴

(۷۵ ضربه شلاق، در شهر گردانده شدن و تبعید) از وقوع این جرم پیشگیری لازم را به عمل آورد (ابن ادریس، ۱۳۸۵: ۴۷۱/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۶۴/۹؛ خمینی، ۱۳۹۰: ۴۷۱/۲؛ منتظری، ۱۴۳۱: ۱۹۳؛ اردبیلی، ۱۴۲۷: ۱۵۷/۲).

قانونگذار کشورمان نیز در این مسأله به تبعیت از فقه امامیه، بکارگیری بانوان در مراکز فساد و فحشاء را تحت عنوان «قیادت» مورد جرم‌انگاری قرار داده (ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و برای مرتکب آن، در صورت زن بودن تنها ۷۵ ضربه شلاق و در صورت مرد بودن، برای بار نخست ۷۵ ضربه شلاق و برای بار دوم ۷۵ ضربه شلاق و یک سال تبعید را به عنوان مجازات در نظر گرفته است (ماده ۲۴۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲).

۴- ارزیابی وضعیت حمایت از زنان در جرم «قاچاق بانوان»

از دیگر جرایمی که می‌توان آن را ذیل عنوان جرایم علیه کرامت انسانی زنان مورد شناسایی و بررسی قرار داد، قاچاق بانوان است. واژه «قاچاق» از مصدر «قاچماق»، کلمه‌ای ترکی است که در لغت به معنای «بُرده، رُبوده، آن چه که ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع باشد» بوده (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۲۵۲/۱۰؛ معین، ۱۳۷۶: ۲۶۰۸/۲) و در اصطلاح حقوقی، به معنای عملی است که در آن، صدور یا ورود کالا به صورت غیر قانونی صورت گرفته و مال التجاره ممنوع معامله یا ممنوع الوردی بدون کسب اجازه از دولت یا پرداخت حقوق گمرکی وارد کشوری گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۱۵؛ احمدی، ۱۳۸۲: ۴۲). ناگفته نماند که این تعریف تنها در خصوص قاچاق «کالا» ارائه شده که بی‌جان و بی‌روح است؛ بنابراین، زمانی که سخن از «قاچاق انسان» و «قاچاق زنان» به میان می‌آید، باید به دنبال ارائه تعریفی متفاوت از تعریف فوق بود.

پدیده قاچاق زنان معمولاً با اهداف گوناگون و به منظور «بهره‌کشی جنسی» یا «قرار دادن شخص بزه‌دیده در شرایط کار اجباری یا دیگر اشکال بیگاری غیر داوطلبانه» مورد بحث قرار می‌گیرد (اشتری، ۱۳۸۰: ۱۷). از همین رو، در ارائه تعریف مناسب برای قاچاق زنان باید به دو نکته مهم توجه نمود؛ نخست آن که، با در نظر گرفتن اهداف مختلفی که در قاچاق زنان وجود دارد، تعریفی که برای این اصطلاح به کار می‌رود باید شامل تمامی اهداف مورد بحث گردد. دوم آن که، عمل و فعل «قاچاق زنان»، مفهومی متفاوت از «بهره‌کشی جنسی»، «شرایط کار اجباری» و دیگر اهداف این عمل دارد؛ اگرچه در نهایت امر، قاچاق زنان به منظور دستیابی به اهداف فوق صورت می‌گیرد.

در علم حقوق، تعاریف مختلف و متفاوتی برای قاچاق انسان بیان شده که از میان این تعاریف، می‌توان به تعریف ارائه شده در بند الف ماده ۳ «پروتکل مجازات، سرکوب و پیشگیری از قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان» مصوب ۲۰۰۰ میلادی اشاره نمود؛ بر اساس این تعریف، «قاچاق انسان عبارت است از عضوگیری، جابجایی، انتقال و پناه دادن به اشخاص جذب شده، توسل به زور یا هر وسیله دیگر، از طریق ربایش، فریب، خدعه، سوء استفاده از آسیب‌پذیری بزه‌دیده یا از طریق پرداخت پول یا هر امتیاز مالی برای جلب رضایت شخصی که اختیار دیگری با اوست، به قصد بهره‌کشی. بهره‌کشی شامل حد اقل سوء استفاده برای روسپی‌گری یا سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمت اجباری، بردگی یا اعمال مشابه آن، بندگی یا برداشت اعضای بدن خواهد بود». قانونگذار ایران نیز با مبنا قرار دادن تعریف فوق در ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ شمسی، اقدام به ارائه تعریفی مشابه در این زمینه نموده است.

اولین مسأله‌ای که در خصوص زنان گرفتار در دام قاچاق مطرح می‌شود، تنزل شخصیت انسانی ایشان است؛ آنان همچون کالایی در دست اربابان، دست به دست شده و از خود اختیار و استقلالی ندارند، قاچاقچیان انسان آنها را همانند سایر اجناس و

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۴۶

کالاها در مراکز غیر قانونی خرید و فروش کرده و اندام آنها را جهت جلب رضایت مشتری به نمایش می‌گذارند (بهروزی، ۱۳۶۸: ۱۳۷).

به منظور آگاهی از نگرش نظام حقوقی اسلام در جرم انگاری و مبارزه با قاچاق انسان باید به باب تجارت کتب فقهی مراجعه نمود؛ چرا که این مفهوم، با عنوان دیگری با نام «تجارت انسان آزاد» در کلام فقهای امامیه مورد بررسی قرار گرفته است. تجارت انسان در اکثر آثار نوشته شده به دست فقها، حرام، باطل و به عنوان یکی از گناهان کبیره معرفی شده و برخی در این خصوص، ادعای اجماع کرده‌اند (حلی، بی تا: ۴۶۵/۱؛ ۴۱/۱۰؛ اردبیلی، ۱۴۱۴: ۱۶۷/۳؛ وحید بهبهانی، ۱۴۱۷: ۱۰۱؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۳۴۳/۲۲؛ خوئی، ۱۳۶۶: ۱۲۵/۴؛ ۱۱۱/۶).

نظام حقوقی بین‌المللی نیز از سال ۲۰۰۰ میلادی با تصویب پروتکل «مجازات، سرکوب و پیشگیری از قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان» قاچاق زنان را مورد جرم انگاری قرار داده و در مواد ۱ و ۳ و ۵ این پروتکل، علاوه بر تعریف و تعیین مصادیق این جرم، تدابیر لازم را در جهت کشف آن و برخورد با مجرمان مورد معرفی قرار داده است.

قانونگذار کشورمان نیز با توجه به رویکرد نظام حقوقی اسلام و نظام حقوقی بین‌المللی در خصوص مبارزه با جرم قاچاق انسان (به خصوص قاچاق بانوان) به این مهم، توجه لازم را نموده و در قانونی مستقل با نام «قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ ش» به وضع مقرراتی در این خصوص اقدام نموده و تمامی اشخاص جامعه را که مرتکب چنین جرمی شوند، مستحق مجازات دانسته است. با این حال، در قانون فوق، کاستی‌هایی در خصوص جرم انگاری پدیده قاچاق انسان وجود دارد که از این میان، می‌توان به «فراملی معرفی نمودن این جرم و شامل نگردیدن قاچاق داخلی»، «محدود کردن اهداف قاچاق به فحشاء، تجارت اعضاء، بردگی و ازدواج» و همچنین

«ملاک قرار دادن قصد مجرمان در تحقق جرم قاچاق» اشاره نمود (ر.ک: ماده ۱ قانون فوق الذکر).

۵- ارزیابی وضعیت حمایت از زنان در جرم «فروش اعضای بدن بانوان»

یکی دیگر از مهم‌ترین مصادیق نقض کرامت انسانی اشخاص که در سال‌های اخیر و با پیشرفت روزافزون علم، رشد چشمگیری داشته، پدیده سوداگری در فروش اعضای بدن است که در آن، اعضای بدن بزه‌دیده همانند یک کالا و با هدف تحصیل منافع مادی، به فروش می‌رسد.

فروش اعضای بدن بانوان که آن را باید در ذیل جرم «سوداگری و قاچاق اعضای بدن» مورد بررسی قرار داد، پدیده‌ای است که در آن، بزه‌دیده به صورت زنده یا مُرده و از طُرُق مختلفی چون استخدام، انتقال، پناه داده شدن و ... به مکانی در جهت خارج ساختن اعضای بدنش منتقل می‌شود. این جرم معمولاً به وسیله تهدید یا استفاده از زور یا سایر اشکال اجبار، آدم ربایی، فریب، تقلب، سوء استفاده از قدرت یا وضعیت آسیب‌پذیری وی و یا در قبال دریافت منافع صورت گرفته و در آن، تمامی حقوق انسانی بزه‌دیده زیر پا گذارده شده و جایگاه وی در حد کالایی که نیاز دیگر افراد به پیوند اعضای بدن را تأمین می‌کند، تنزل می‌یابد (ر.ک: بیاتیه کنفرانس مشترک جامعه پیوند اعضای بدن و جامعه بین‌المللی نفرولوژی صادره در سال ۲۰۰۸م).

نیاز برخی بیماران به عضو پیوندی و وجود تقاضا از سوی خانواده بیماران ثروتمند که معمولاً در کشورهای توسعه‌یافته اقامت دارند، بازار جهانی این «تجارت شیطانی» را رونق بخشیده و موجب شده است که مجرمان جرایم سازمان‌یافته به شهروندان (بخصوص زنان و کودکان) کشورهای در حال توسعه، فقیر و یا جنگ‌زده به مثابه منبعی پایان‌ناپذیر و ارزان برای تهیه اعضای بدن نگرسته و در همین راستا، جرایم ضد انسانی باور نکردنی‌ای را مرتکب شده و به منظور دستیابی به اعضای بدن بانوان و

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۴۸

کودکان، اقدام به ربودن ایشان نموده و یا در برخی از موارد به بهانه واهی مهاجرت غیر قانونی، آنان را به مراکز فروش اعضای بدن منتقل نمایند (تبریزی، ۱۳۷۹: ۲۴-۳۲). یکی از مهم‌ترین دلایل مورد هدف قرار گرفتن زنان و کودکان در این جرم، «سلامت اعضای بدن ایشان» و در عین حال، «وضعیت اجتماعی بانوان در جوامع در حال توسعه» و «ضعف جسمانی آنان در دفاع از خود» است. وجود همین ویژگی‌ها موجب شده است که مجرمان این قبیل جرایم، طعمه‌های خود را بیشتر از میان زنان و کودکان انتخاب کنند.

در سال‌های اخیر، وقوع جنگ‌های فرقه‌ای در منطقه آسیای جنوب غربی (خاورمیانه) و درگیری و کشته شدن مردان خانواده در جنگ‌ها و آوارگی زنان و کودکان، به رشد غیر قابل باور این جرم کمک‌های بسیاری کرده است. این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که قاچاق انسان، پدیده‌ای متفاوت از قاچاق اعضای بدن محسوب شده و ادغام این دو جرم با یکدیگر کاملاً اشتباه است؛ چراکه در قاچاق انسان، مجرم، قصد سلب حیات از بزه‌دیده را نداشته و این جرم به منظور بهره‌کشی از بزه‌دیده صورت گرفته و عموماً منجر به مرگ وی نخواهد شد. این در حالی است که در قاچاق اعضای بدن، مجرم از همان ابتدای امر، بزه‌دیده را با هدف سلب حیات به مکانی مناسب جهت خروج اعضای بدن وی منتقل کرده و این پدیده تقریباً در تمامی موارد، نتیجه‌ای جز کشته شدن بزه‌دیده در خلال قاچاق اعضای بدنش را به دنبال ندارد. به علاوه، جرم قاچاق انسان اگرچه به عنوان جرمی مستقل مورد شناسایی قرار گرفته، لکن به طور معمول، وسیله‌ای است که به منظور ارتکاب دیگر جرایم علیه کرامت انسانی بانوان (از قبیل بردگی جسمی و بردگی جنسی) صورت می‌پذیرد. این در حالی است که قاچاق اعضای بدن جرم مستقلی محسوب شده که متعاقب آن نمی‌توان جرم دیگری را مرتکب گشت.

در توضیح پیرامون نظر فقهای امامیه در خصوص جرم فوق الذکر باید گفت اگرچه موضوع برداشت عضو یا خرید و فروش اعضای بدن تا پیش از دو دهه گذشته در فقه امامیه مطرح نبوده است، لکن بر اساس منابع و مبانی نظام حقوقی اسلام، برداشت عضو از بدن یکی برای پیوند به شخص دیگر را منوط به دو شرط «رضایت دهنده عضو» و «عدم اضرار نفس دهنده عضو» نموده اند (مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۷۵: ۱/۲۹۹۴). حال، با توجه به عدم وجود دو شرط فوق در پدیده فروش اعضای بدن بانوان، به راحتی می توان دریافت که انجام چنین عملی، بر مبنای فقه امامیه ممنوع می باشد.

در سطح بین المللی، ممنوعیت فروش و تجاری سازی اعضای بدن برای نخستین بار در شورای اروپا مطرح شد (ر.ک: ماده ۲۱ قطعنامه ۲۹ کمیته وزرای شورای اروپا مصوب ۱۹۹۷م) و پس از گذشت مدتی، مورد تأیید سازمان های بین المللی منطقه ای در نقاط مختلف جهان، از جمله جنوب شرق آسیا و دیگر نهاد های بین المللی قرار گرفت (بروجردی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

علیرغم توضیحات فوق و اهمیت جرم فروش اعضای بدن (بخصوص اعضای بدن بانوان و کودکان)، متأسفانه در نظام حقوقی ایران اقدامی در جهت جرم انگاری این عمل صورت نگرفته است. لذا با توجه به جایگاه ویژه بزهدیدگان زن در جرایم علیه کرامت انسانی، ضرورت جرم انگاری پدیده فوق و قرار دادن ساز و کارهای مناسب در جهت جلوگیری از وقوع آن بر همگان واضح و مبرهن است.

نتیجه گیری و پیشنهاد

با توجه به توضیحات ارائه شده در این مقاله، موارد ذیل را می توان به عنوان مهم ترین نتایج و پیشنهادهای پژوهش حاضر بیان نمود:

- عوامل مختلفی موجب وقوع جرایم علیه کرامت انسانی بانوان می شود که از میان آنها می توان به «سود سرشار ناشی از بردگی و قاچاق زنان»، «تفاوت های

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۵۰

تکوینی موجود میان بانوان و مردان» و همچنین «وضعیت اجتماعی حاکم بر کشورهای در حال توسعه» اشاره نمود. از بین بردن این عوامل، علاوه بر تدوین و اصلاح قوانین، نیازمند فرهنگ سازی در این خصوص است.

- با توجه به رویکردی که در خصوص مفهوم و تعیین مصادیق «کار اجباری» در نظام حقوقی اسلام و نظام حقوقی بین الملل وجود دارد، ضروری است پیرامون مبارزه با مواردی که زنان با توجه به مشکلات عدیده اقتصادی مجبور به انجام کار در قبال دستمزد اندک می شوند نیز ساز و کاری مناسب در نظام حقوقی مناسبی در نظر گرفته شود.

- یکی از مهم ترین نقاط ضعف موجود در قوانین و مقررات حاکم بر کشور در موضوع جرایم علیه کرامت انسانی زنان، عدم جرم انگاری و تعیین روشی در جهت مقابله با ازدواج اجباری و قاچاق اعضای بدن زنان و کودکان است.

- تعریفی که برای جرم «قاچاق انسان» در قوانین و مقررات کشورمان ارائه شده، ناقص بوده و ضروری است اصطلاحاتی بر روی قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ شمسی صورت پذیرفته و مقررات موجود نیز به روزرسانی گردد.

منابع

- ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۳۸۵ش)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- احمدی، عبدالله (۱۳۸۲ش)، **جرم قاچاق**، تهران: میزان.
- اردبیلی (محقق)، احمد بن محمد (۱۴۱۱ق)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان**، ج ۳، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اشتری، بهناز (۱۳۸۰ش)، **قاچاق انسان؛ بردگی معاصر**، تهران: اندیشه برتر.
- **اعلامیه جهانی حقوق بشر**، مصوب ۱۹۴۸م.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۳ش)، **خوزستان و تمدن دیرینه آن**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۵۱ ————— مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۰ - شماره ۱۸ - بهار و تابستان ۹۷

- امامی، سید حسن (بی تا)، **حقوق مدنی**، ج ۴، چ ۱، تهران: اسلامیه.
- امید، جلیل (۱۳۸۶ش)، **مبانی عدالت در حقوق کیفری و حقوق بشر**، مجلس و راهبرد، ۳۸، ۴۱-۶۶.
- امیری، فاطمه (۱۳۸۹ش)، **توسعه حقوق بین المللی کیفری بر پایه جرم انگاری ازدواج اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون**، مجله حقوقی بین المللی، ۴۳، ۲۶۷-۲۹۲.
- باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، **نگاهی به حقوق زن در اسلام، نقدی بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان**، معرفت، ۷۰، ۸-۲۸.
- بروجردی، محمد (۱۳۸۰ش)، **اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آ.سه.آن)**، تهران: وزارت امور خارجه.
- بهروزی، مریم (۱۳۶۸ش)، **حجاب و آزادی؛ مجموعه سخنرانی های کنفرانس زن**، چ ۲، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- **بیانیه کنفرانس مشترک جامعه پیوند اعضای بدن و جامعه بین المللی نفرولوژی**، صادره در سال ۲۰۰۸ م.
- **پروکتل مجازات، سرکوب و پیشگیری از قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان**، مصوب ۲۰۰۰ م.
- تبریزی، ایرج (۱۳۷۹ش)، **تجارت شیطانی**، تهران: کیهان.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، **زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)**، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة**، تعلیقه سید محمد کلانتر، ج ۵ و ۹، چ ۲، قم: داوری.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰ش)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حقیقت، سید صادق؛ میرموسوی، سید علی (۱۳۸۱ش)، **مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب**، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- حکیم پور، محمد (۱۳۸۲ش)، **حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد**، تهران: نغمه نواندیش.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (بی تا)، **تحریر الاحکام الشرعیة**، ج ۱ و ۱۰، قم: آل البیت (ع).
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق)، **نزهة الناظر و تنبیه الخاطر**، قم: مدرسه الامام المهدي (عج).

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۵۲

- خمینی (امام)، سید روح‌الله (۱۳۹۰ق)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، چ ۲، نجف: مطبعه الآداب.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۶ش)، **مصباح الفقاهه**، ج ۴ و ۶، قم: حیدریه.
- داودی گرماردی، هما (۱۳۷۷ش)، **بزه‌دیده شناسی زنان و زمینه های مؤثر در کاهش جرایم**، ندای صادق، ۵۰، ۸۹-۱۰۷.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳ش)، **لغت‌نامه دهخدا**، ج ۱۰، چ ۲، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- دیوب، اس.سی (۱۳۷۷ش)، **نوسازی و توسعه، در جستجوی قالب های بدیل**، ترجمه سید احمد موثقی، تهران: قومس.
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۲ش)، **قاجاق زنان در فقدان باید ها و نباید ها**، مطالعات راهبردی زنان، ۱۹، ۱۱-۴۷.
- زراعت، عباس (۱۳۹۰ش)، **حقوق کیفری کار**، تهران: جنگل.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۹ش)، **مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده**، تهران: سروش.
- شیرینی زنجانی، سید موسی (۱۴۰۹ق)، **کتاب النکاح**، ج ۱۴، چ ۱، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۸۰ش)، **سیاست کیفری ایرا در قبال جرایم سازمان یافته با رویکردی به حقوق جزای بین الملل**، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰ش)، **جامعه شناسی زنان و خانواده**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ق)، **حقوق مدنی**، ج ۳، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عراقی، عزت‌الله (۱۳۷۶ش)، **حقوق بین المللی کار**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه و خسروی، لیلا (۱۳۸۸ش)، **مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب**، ج ۱، تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- عینی، محسن و نظری، زهرا (۱۳۹۲ش)، **قاجاق عضو در اسناد بین المللی و حقوق داخلی**، آموزه های حقوق کیفری، ۶، ۱۰۷-۱۲۶.
- **قانون مدنی**، مصوب ۱۳۱۰ ش.
- **قانون مجازات اسلامی**، مصوب ۱۳۹۲ ش.

۲۵۳ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۰ - شماره ۱۸ - بهار و تابستان ۹۷

- قانون کار، مصوب ۱۳۶۸ ش.
- قانون مبارزه با قاچاق انسان، مصوب ۱۳۸۳ ش.
- قطعنامه ۲۹ کمیته وزرای شورای اروپا، مصوب ۱۹۹۷ م.
- کارل، الکس (۱۳۸۴ش)، انسان موجود ناشناخته، ترجمه عنایت الله شکیباپور، تهران: دنیای کتاب.
- کنوانسیون تکمیلی الغای بردگی، تجارت برده و نهاد ها و اعمال مشابه برده داری، مصوب ۱۹۶۵ م.
- کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۹۷۹ م.
- کنوانسیون شماره ۲۹ سازمان ملل متحد در خصوص الغاء کار اجباری، مصوب ۱۹۳۰ م.
- کنوانسیون شماره ۱۰۵ سازمان ملل متحد در خصوص الغاء کار اجباری، مصوب ۱۹۵۷ م.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۰ش)، عدالت و برخی از تقسیمات آن، تهران: آموزگار جاوید.
- مرکز دایره المعارف فقه اسلامی (۱۳۷۵ش)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف فقه اسلامی.
- مصلحتی، حسین (۱۳۷۹ش)، ازدواج و ازدواج درمانی، تهران: البرز.
- معین، محمد (۱۳۷۶ش)، فرهنگ فارسی، ج ۲، چ ۱۱، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی محمدباقر و عامری، زهرا (۱۳۹۵ش)، ازدواج اجباری؛ از ممنوعیت انگاری تا جرم انگاری، آموزه های حقوق کیفری، ۱۲، ۱۶۹-۱۹۸.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، تحقیق محمدرضا حامدی و مسعود مکارم، ج ۲، چ ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع).
- منتظری، حسینعلی (۱۴۳۱ق)، کتاب الحدود، قم: دار الفکر.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷ق)، فقه الحدود و التعزیرات، ج ۲، چ ۲، قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۹۶۶ م.
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ م.

جایگاه حمایت از زنان بزه‌دیده در جرایم علیه کرامت انسانی در فرآیند عدالت کیفری ۲۵۴

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۶۷ش)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۲، چ ۳، بیروت: دار الکتب الاسلامیه.

- وامقی، مروئه (۱۳۹۰ش)، *گزارش وضعیت اجتماعی ایران*، زیر نظر سعید مدنی قهفرخی، تهران: رحمان.

- وحید بهبهانی، آقاباقر (۱۴۱۷ق)، *حاشیه مجمع الفائده و البرهان*، قم: مؤسسه علامه المجدد.

- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۶ش)، *مفهوم عدالت کیفری از نظر قاضی، حقوق اساسی*، ۸، ۲۷۱-۲۷۶.

- هریسون، پل (۱۳۶۴ش)، *درون جهان سوم*، ترجمه شاداب وجدی، تهران: فاطمی.